



06/09/2015



آحمد فواد ارسلان

## به مناسبت بیستمین سال وفات افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک

انعکاس دید سیاسی و پیغام استاد پژواک در مورد اقبال، پاکستان و امامان کاذب  
به جوانان افغان در شعر ذیل:

من مقتدی خویشم ، کس نیست امام من  
بادار ندارم من، کس نیست غلام من  
"اقبال" غلامی بود در بند امامی بود  
من بنده آزادم کس نیست امام من  
"پژواک" ندای خود، هستم نه صدای غیر  
پژواک جوانان را ، این است پیام من<sup>1</sup>

<sup>1</sup> [http://www.afghan-](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_barge_az_zandagi_pajwak_dar_20min_sal_wafatash.pdf)

[german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/walinouri\\_barge\\_az\\_zandagi\\_pajwak\\_dar\\_20min\\_sal\\_wafatash.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_barge_az_zandagi_pajwak_dar_20min_sal_wafatash.pdf)



افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک با اندیرا گاندهی

استادان محترم از خدمات برجسته، شخصیت آزاده و درک و تیز بینی سیاسی و علمیت و هنر افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک، نوشته اند و می نویسند و استاد پژواک با خدمات بی مثال خود، آثار و اعمال و زندگی افتخار آفرین خود آزاده گی، خدمت به وطن عزیزش افغانستان و هنر و خلاقیت خود را منحصی سرمشقی برای افغانان میراث گذاشته است. افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک تمام عمرش را بر مبنای این شعر جاودان سروده ای خودش گذرانده است، خدمت کرده است و سرمشوق افغان ها بوده است:

### هزار خم نکند مست می پرستان را – چنان که نره ای خاکی وطنپرستان را

اما در این مقاله پیغام افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک، به افغانستان و افغانان در ارتباط به شعر استاد پژواک خطاب و در جواب به اقبال لاهوری مورد بحث قرار میگیرد.

اقبال لاهوری یک شاعر و فیلسوف شناخته شده آسیای جنوبی بود که در آوان جوانی در سال 1904 قبل از اولین سفرش به برتانیای شعری اردو زیبایی در آرزوی هندوستان آزاد سرود که بنام ترانه هندوستان یاد گردید و تا امروز در هندوستان مستقل و دیموکرات ارزش بلند دارد:

سکے جہاں سے اچھا ہندوستان ہمارا ہم نبیسیں ہیں اس کی میہستان ہمارا <sup>2</sup>

<sup>2</sup> <http://iqbalurdu.blogspot.com/2011/03/bang-e-dra-039-tarana-e-hindi.html>

د پانو شمیرہ: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

**معنی دری شعر فوق :** هندوستان ما از تمام دنیا بهتر است ، ما بلبلانی هستیم که هندوستان گلستان ما میباشد.

این شعر عالی ابیاتی را در برداشت که از برادری مذاهب و اقوام و پرهیز از نفرت از مذاهب صحبت میکرد که بعداً اساس دیموکراسی پایدار هندوستان شد و تا امروز در هندوستان مستقل و دیموکرات به دیده قدر دیده میشود مثل بیت زیر:

3

ندب نہیں کھاتا آپس میں سیر کھنا  
ہندمی ہیں ہم، وطن ہے ہندوستان ہمارا

**معنی دری شعر فوق :** دین و مذهب به ما نفرت از یک دیگر را درس نمی دهد ، ما همه هندوستانی هستیم و هندوستان وطن ما میباشد.

و اما اقبال لاهوری بعد از سفر به برتانيا و اروپا در سال 1904، در سال 1910 شعر دیگری سرود که بکلی از برادری و پرهیز از نفرت تذکر یافته در فوق فرق داشت که بعداً مورد استفاده برتانيا برای تشکیل پایگاه استعمار برتانيا در منطقه یعنی پاکستان شد و از همان سال تا امروز مورد استفاده ای پاکستان و مسلمانان افراطی قرار گرفته است:

چین عرب ہمارا ہندوستان ہمارا  
مسلم ہیں ہم، وطن ہے سارا جہان ہمارا

4

**معنی دری شعر فوق :** چین و عربستان و هندوستان از ما میباشد ، ما مسلمانان هستیم تمام دنیا از ما میباشد.

اقبال لاهوری در سال های بعد برای بوجود آمدن یک مملکت بنام دین اسلام در منطقه نظریه پرداخت و شعر سرود و زمینه را برای ایجاد تفرقه اندازی بیشتر برتانيا و پایه گذاری پاکستان منحیث پایگاه باقیمانده برتانيا در منطقه با غصب خاک های هندوستان و افغانستان آماده ساخت. ایجاد پاکستان به قیمت جان ملیون ها هندو و مسلمان در جابجائی اجباری سال 1947 تمام شد و جنگ دوامدار کشمیر و بلوچستان و جنگ های تحمیلی بر افغانستان که تا امروز ادامه دارد همه نتیجه ایجاد پاکستان است.

افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک، این واقعیت را میدانست که ایجاد تصنعی یک مملکت بر اساس دین با غصب خاک های دیگران برای ایجاد پایگاه سوق الجیشی استعمار برای استقلال و تمامیت ارضی

<sup>3</sup> <http://iqbalurdu.blogspot.com/2011/03/bang-e-dra-039-tarana-e-hindi.html>

<sup>4</sup> <http://iqbalurdu.blogspot.com/2011/04/bang-e-dra-101-tarana-e-milli.html>

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

افغانستان عزیزش خطری بزرگ است و بر همین اساس مقالات و رساله های متعدد در تشریح موضوع پشتونستان از نظر دیپلماسی و حقوق بین الدول نوشت<sup>5</sup>.

گرچه این شعر اقبال در بحث عقل و دل و عشق و فهم است اما از نظر من افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک در استقبال شعر اقبال با استفاده از کلمات مثل بادار- غلامی در بند امام – صدای غیر ، مفاهیم آزادی و استقلال و انصراف از اقتدا کردن به امامان کاذب پافشاری میکند و در قالب موزون شعر خود میفرماید که قبله و مقتدی وی در ایمان پاک و دل پاک وی است و در آخر واضحاً میگوید که استقلال و نوکر غیر نبودن پیغام وی است به جوانان افغانستان.

اگر اوضاع افغانستان منطقه و جهان را در زمانی که افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک این شعر را به جواب اقبال سروده است در نظر بگیریم دیده میشود که پاکستان بنام اسلام منحیث پایگاه سوق الجیشی و دوام نیات برتانیای در افغانستان و هندوستان ایجاد شده بود ، خونریزی ها بنام دین و مذهب شدت گرفته بود و افغانستان از شرق و غرب تحت فشار بود. بناءً این طبیعی است که افتخار افغانستان، استاد عبدالرحمان پژواک ضرورت به هدایت و بیداری جوانان افغانستان را درک کرده بود و از این وسیله شعری استادانه و با تیزبینی و هنر پیغام آزادی و ایمان پاک و حذر از امامان کاذب را به جوانان افغانستان هدیه کرده بود.

## ختم

ماستری در تحلیل استخبارات

ماستری در امنیت ملی/متفقوی- تمرکز بر آسیای جنوبی-مرکزی و خلیج عرب

---

<sup>5</sup> [http://www.afghan-](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/anwari_hashim_ba_monasebate_bestumin_salgarde_pazhwak.pdf)

[german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/anwari\\_hashim\\_ba\\_monasebate\\_bestumin\\_salgarde\\_pazhwak.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/anwari_hashim_ba_monasebate_bestumin_salgarde_pazhwak.pdf)